

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

موضوع بحث: فضائل امام سجاد(ع) (1390/9/29)

به مناسبت اینکه ایام شهادت امام سجاد(ع) است، مطالبی را به صورت مختصر عرض می‌کنیم؛ هر یک از ائمه(ع) مظهر یکی از ارکان اساسی دین بودند. برخی از آنها مظهر جهاد و مبارزه بودند، در عین اینکه ابعاد دیگر را هم دارا بودند، ابعاد دیگر در اوج آنها بودند، نه اینکه خدایی نکرده در ابعاد دیگر ضعیف باشند.

امام باقر(ع) و امام صادق(ع) مظهر رکن تعلیمی و ارشادی و مبین برای قرآن و احکام بودند، که اساس مذهب در احکام بر فرمایشات امام باقر و امام صادق(علیهما السلام) مبتنی است. امام سجاد(ع) مظهر برای عبودیت بوده‌اند.

اگر انسان شرایطی که امام سجاد(ع) در آن زندگی می‌کرده و حوادث فراوانی که حضرت با آن مواجه شده که مهمترین آنها حادثه‌ی کربلا بوده را ملاحظه کند، این حادثه کربلا حادثه‌ی دلخراش، حادثه‌ی سنگین که اصلاً فوق آن از نظر مصائب، تصور نمی‌شود و باز حوادثی که بعد از آن اتفاق افتاده و حضرت با آن مواجه بوده است.

این گونه حوادث، انسان را به حسب ظاهر یک مقداری از پرداختن به عبادت و بندگی باید بازدارد، یعنی انسان هم برود دنبال مقابله، مبارزه، قیام و مجاهدت و این مسیر را اختیار کند.

اما آنچه که در زندگی امام سجاد(ع) بروز دارد، عبادت آن حضرت است. و لو وقتی انسان زندگی امام سجاد(ع) را می‌بیند هم در مسأله‌ی علم و هم در مسائل تربیتی و اخلاقی، در علم هم علوم مختلف، در تفسیر، فقه و سایر علوم، ما میراث بسیار گرانبهائی از امام سجاد(ع) داریم.

اما واقعش این است که در مسأله‌ی عبادت، حضرت کاری کرد که موافق و مخالف، همه اعتراف کردند بر اینکه مثل او در زمان او یا قبل از او -إلا جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین(ع)- در عبادت نبوده و باید ما یک مقداری در آن درنگ کنیم.

در بسیاری از کتب، این مسأله نقل شده که هزار رکعت نماز را در هر شبانه‌روز حضرت خوانده است. این خیلی کار سنگینی است. پانصد درخت خرما بوده که حضرت در کنار هر کدام دو رکعت نماز می‌خوانده است. دائماً در حال عبادت بوده، بطوری که آنهایی که در خانه حضرت خدمتکار بودند نقل کرده‌اند و گفته‌اند و ذکر شده و ثبت شده که بعضی‌ها گفتند ما نه در روز برای حضرت توانستیم غذایی بگذاریم که میل کند و نه شب رختخوابی را برای حضرت پهن کردیم برای استراحت.

گفتن این مطلب آسان است، ولی عمل به آن خیلی مشکل است که یک انسان بعد از این همه حوادث سنگینی که بر او واقع شده، چطور می‌شود که در عبادت و بندگی خدا این چنین مقاومت دارد؟ این حاکی از ریشه‌دار بودن حبّ خدا و حاکی از

ریشه‌دار بودن ایمانی بوده که حضرت به خدای تبارک و تعالی داشته است.

حالا تعابیری وجود دارد که به بعضی از این تعابیر اشاره می‌کنم؛

1) وقتی که حضرت برای نماز وضو می‌گرفته: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا تَوَضَّأَ اصْفَرَ لَوْنُهُ فَيَقُولُ لَهُ أَهْلُهُ مَا هَذَا الَّذِي يَغْشَاكَ فَيَقُولُ أَدْرُونَ لِمَنْ أَتَاهَبُ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ» [بحار الأنوار 46: 73]؛ موقع وضو گرفتن رنگ حضرت تغییر می‌کرده. خانواده‌اش به حضرت عرض می‌کردند چرا وقتی شما می‌خواهید وضو بگیرید رنگ‌تان تغییر می‌کند؟ حضرت در جواب می‌فرموده که آیا شما می‌دانید در پیشگاه چه کسی می‌خواهیم بایستیم!!

حالا ما وضو می‌گیریم، نماز هم می‌خوانیم، نمازمان تمام می‌شود، شاید بعد از نماز هم توجه نمی‌کنیم که در مقابل چه کسی ایستاده‌ایم! ولی حضرت از وقتی وضو می‌گرفته این چنین بوده است.

یا امام باقر (ع) می‌فرماید «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَكَهُ الرِّيحُ مِنْهُ» [الكافي 3: 300]؛ وقتی حضرت به نماز می‌ایستاد، مثل ساقه‌ی يك درخت بود، که هیچ چیزی به سبب ایشان حرکت نمی‌کرد، خودش را محو خدا می‌کرد و کاملاً در محضر خدا می‌دید.

2) در بعضی از روایات دیگر دارد که يك وقتی حضرت در نماز يك طرف عبايشان افتاده بود، بعد از نماز به ایشان عرض کردند که عباي شما در نماز افتاده، حضرت متوجه نشده بود. یعنی حتی این مقدار از خدا غافل نشد که این عبا را در نماز درست کند. حالا ما وقتی رکوع می‌رویم و بلند می‌شویم، اول عبا را مرتب می‌کنیم، حالا طبق عادتی است که برای ما شده. در نماز این مقدار توجه به خدای تبارک و تعالی داشت.

3) این قضیه را همه شنیدیم، شما هم شنیدید که «سَقَطَ لَهُ ابْنٌ فِي بئرٍ فَتَفَزَّعَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ لِذَلِكَ حَتَّى أَخْرَجُوهُ»؛ یکی از اولاد امام سجاد (ع) به چاه افتاد، فریاد زد و از اهل مدینه کمک خواست، «وَكَانَ قَائِمًا يُصَلِّيَ فَمَا زَالَ عَنْ مَحْرَابِهِ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ مَا شَعَرْتُ إِنِّي كُنْتُ أَنَا جِي رَبًّا عَظِيمًا»؛ [بحار الأنوار 46: 100] نماز حضرت که تمام شد به حضرت عرض کردند که بچه شما به چاه افتاد، فریاد زد، کمک خواست مردم آمدند او را نجات دادند. حضرت فرمود من متوجه نشدم.

اینها قصه نیست، اینها يك واقعیت است و فهمش هم برای ما خیلی مشکل است. ما باید واقعاً امام سجاد (ع) الگوي خودمان قرار دهیم. خصوصاً در باب عبادت. واقعاً در يك نماز از اول تا آخر نماز ببینیم چه مقدار توجه به خدای تبارک و تعالی داریم؟ حضرت فرمود «مَا شَعَرْتُ إِنِّي كُنْتُ أَنَا جِي رَبًّا عَظِيمًا»؛ من با پروردگار عظیم مناجات می‌کردم.

یعنی وقتی انسان با يك موجود عظیم (خدای تبارک و تعالی) صحبت می‌کند، این دیگر نمی‌تواند متوجه صدای دیگری باشد! ما کجا نمازهایمان مثل امام سجاد (ع) است؟

4) قضیه‌ی جابر انصاری که باز این هم در کتب نقل شده؛ جابر بن عبدالله انصاری از صحابی جلیل القدر پیامبر اکرم (ص) بود که تا زمان امام باقر (ع) هم زنده بود، اینها اینقدر می‌دیدند که حضرت عبادت می‌کند، گاهی اوقات می‌آمدند به ایشان اعتراض می‌کردند. این را در تاریخ زندگی امام سجاد (ع) دارد که جابر و اولاد حضرت گاهی اوقات اعتراض می‌کردند که آقا شما يك مقداری از خودتان مراقبت کنید.

این خیلی قضیه‌ی جالبی است که امام باقر (ع) فرموده «أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَّا نَظَرَتْ إِلَى مَا يَفْعَلُ ابْنُ أُخِيهَا عَلِيُّ

بُنِ الْحُسَيْنِ بِنَفْسِهِ مِنَ الدَّأْبِ فِي الْعِبَادَةِ، أَتَتْ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ حِزَامٍ الْأَنْصَارِيَّ، فَقَالَتْ لَهُ: يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ لَنَا عَلَيْكُمْ حُقُوقًا، وَ مِنْ حَقِّنَا عَلَيْكُمْ أَنْ إِذَا رَأَيْتُمْ أَحَدَنَا يُهْلِكُ نَفْسَهُ اجْتِهَادًا أَنْ تُذَكِّرُوهُ اللَّهَ وَ تَدْعُوهُ إِلَى الْبُقْيَا عَلَى نَفْسِهِ وَ هَذَا عَلَيَّ بُنِ الْحُسَيْنِ بَقِيَّةُ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ، قَدْ انْخَرَمَ أَنْفُهُ، وَ تَفِنَتْ جَبْهَتُهُ وَ رُكِبَتَاهُ وَ رَاحَتَاهُ دَأْبًا مِنْهُ لِنَفْسِهِ فِي الْعِبَادَةِ . . .»؛ فاطمه دختر امیرالمؤمنین(ع) وقتی دید برادرزاده ایشان؛ امام سجاد(ع) اینطور عبادت می کند، به جابر عرض کرد: ای جابر ما بر شما حق داریم، از حقوق ما هم این است که اگر شما دیدید یکی از ما خودش را هلاک می کند تذکر بدهید و او را دعوت کنید به اینکه خودت را نگهدار. بعد گفت این امام سجاد علی بن الحسین است، به پیشانی اش نگاه کن، ثغفات در پیشانی اوست، بینی او نیز در اثر کثرت سجده چه شده، زندگی راحت را به خاطر عبادات از خودش دور کرده است.

جابر خدمت امام سجاد(ع) آمد، دید حضرت در محراب عبادت است، وقتی امام(ع) نمازش را تمام کرد عرض کرد «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) إِنَّمَا خَلَقَ الْجَنَّةَ لَكُمْ وَ لِمَنْ أَحَبَّكُمْ»، مگر نه این است که خداوند بهشت را برای شما آفریده، و آنهایی که دوستدار شما هستند هم داخل بهشت می شوند، «وَ خَلَقَ النَّارَ لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ وَ عَادَاكُمْ، فَمَا هَذَا الْجَهْدُ الَّذِي كَلَّفْتَهُ نَفْسَكَ» بعد اعتراض کرد چقدر در عبادت به خودت تکلف و زحمت می دهی؟ عبادت هم حدی دارد. شما که خیالتان از بهشت راحت است. حضرت فرمود «يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ فَلَمْ يَدَعْ الْاجْتِهَادَ لَهُ»؛ مگر خدا به پیامبر(ص) نفرمود که ما گناهان گذشته و آینده تو را بخشیدیم، اما باز پیامبر(ص) اجتهاد در عبادت را رها نکرد و عبادت کرد.

در این روایت دارد که وقتی امام سجاد(ع) به اینجا رسید فرمود «بِأَبِي هُوَ وَ أُمِّي»؛ پدر و مادرم فدای پیامبر شود، که اینقدر عبادت کرد که پاهای مبارک پیامبر(ص) ورم کرد و به پیامبر(ص) هم همین اشکال را کردند گفتند «أَتَفْعَلُ هَذَا وَ قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ»؛ این همه عبادت می کنی، در حالی که خدا گناهان آینده و گذشته تو را بخشیده؟ فرمود «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»؛ پس نمی خواهید عبد شکرگزاری باشم.

بالآخره حضرت(ع) جواب جابر را داد و جابر دیگر نتوانست حرفی بزند. مرحوم مجلسی در بحار، ج 46 روایت را آورده، ادامه روایت را ببینید.

می خواهم این نکته را عرض کنم، که یکی از مسائلی که امروز در حوزه ما بسیار کمرنگ می شود، مسأله ی عبادت ما طلبه هاست. قدیم طلاب و بزرگان وجه و چهره شان حاکی از این بود که شب زنده داری دارند، حاکی از این بود که واقعاً اهل قیام به سحر هستند، اهل مناجات و نوافل هستند. اما الآن متأسفانه خیلی کمرنگ شده، باید به خودمان بیایم. واقعاً این جنبه ی اصلی حوزه ما جنبه ی عبادی و تهذیبی است که ما در مسائل عبادی بتوانیم به يك جاهایی برسیم و إلا دیگران هم در ابعاد دیگر زحمات علمی می کشند، اما آنچه که ما را می تواند جدا کند، این جنبه های تهذیبی است که امیدوارم إن شاء الله به دعاي امام سجاد(ع) همه ی ما از عبادت کنندگان واقعي قرار بگیریم.